

درباره قصه ناتمام زندگی کسانی که برای یک لقمه نان، جانشان را از دست می دهند

هر ۲ روز یک کارگر قربانی حوادث کار

گزارش روز



فرنگر معصومه قربانی

آمارها هر ماه، هر روز و هر ساعت هشدار می دهند اما کو گوش شنوا؟ آمارهای رسمی اداره کل پزشکی قانونی استان حکایت از آن دارد که در سال گذشته، ۱۶۶ نفر در خراسان رضوی، قربانی حوادث کاری شده اند. به عبارت ساده تر تقریباً هر دو روز، یک کارگر در استان جان خود را در حوادث کاری از دست داده است و هر ماه، ده ها خانواده داغدار شده اند. به این ها اضافه کنید آمار مصدومان به جامانده از حوادثی که نه توان کار کردن دارند نه قدرت درمان، فقط نفس می کشند تا زندگی را ادامه دهند. طبق اعلام اداره کل پزشکی قانونی استان، ۲۰ هزار و ۳۹۰ نفر در حوادث کاری سال ۱۴۰۴ مصدوم شده اند. این آمارها که البته نسبت به سال ۱۴۰۳ کاهش داشته است با این حال پرده از واقعیتی هولناک برمی دارند؛ اینکه تعداد قابل توجهی از افراد جامعه کارگری بیخ گوش ما به جسدهای بی جانی تبدیل می شوند و از یاد می روند.

دیدن مرگ رفیق زیر آوار

«خدا بر زندگی ما این را نوشته است؛ ما که راضی هستیم.» این گفته غلام، توی گوشم زنگ می خورد. چادر مسافرتی، قلمرو زندگی او و خیلی های دیگر مثل اوست؛ در همه فصل ها، البته برای برخی شان، اتاقک سیمانی کوچکی هم هست که از گزند سرما و گرما در امان نگاهشان می دارد. برایشان رفت و برگشت به محل سکونتشان صرفه ندارد و ترجیح می دهند همان جا بمانند. برخی از آن ها نگهدار ساختمان هستند و غالبشان کارگر ساده اند؛ آن هایی که گچ و سیمان را به خورد آجرها می دهند و روی هم می چینند تا دیوارها قد بکشند و بلند شوند. بیکاری، بدترین درد برای غلام و امثال اوست؛ بدتر از گرمای بالای چهل درجه تابستان یا سرمای شکننده و بی نهایت زمستان و بادی که شلاق وار بر تن می کوبد؛ همین است که سختی همه چیز را به جان می خرد، حتی نگرانی و دلهره سقوط از ارتفاع و هزارویک اتفاق دیگر که جان رفقایش را گرفته است. کارگران بیشتر از آتیه خود و اهل و عیالشان، به درآمد روزانه فکر می کنند؛ چون زندگی و کارشان به هم گره خورده است. گوشه دیوار لم داده است و زیر آفتاب خستگی می گیرد. آسمن را نمی گوید. بین لحظه هایی که انجامیم و با هم گپ می زنیم، فقط می فهمم دخترش تازه به دنیا آمده است. به خاطر او هم که شده، حاضر است زیر تیغ آفتاب بیل بیل خاک بردارد تا عمق جاه بیشتر شود. به نظرم حرف هایش با چهره اش، همخوانی ندارد وقتی می گوید: «بیست و چهار ساله ام.» مگر می شود یک جوان بیست و چهار ساله این همه شکسته باشد؟ او کسی است که توی همین عمر کوتاهش، مرگ رفیقش را زیر ریش آوار دیده است. جان باختن یک کارگر دیگر به خاطر ریزش دیوار جاه، و طومار زندگی آن ها به همین راحتی بسته می شود. آمار را از موتور جست و جوگر می گیرم؛ سقوط به چاله آسانسور و پایان زندگی یک مرد عیال وار؛ غافلگیری و مرگ یک جوان به خاطر ریزش دیوار و ده ها حادثه دیگر که هیچ کدام از خانواده ها و حادثه دیدگان، حاضر به صحبت کردن درباره آن نمی شوند.

فوت ۱۱۳ کارگر مشهدی در حوادث کاری

چیزی که از گفت و گو با دکتر علی نقش، مدیرکل پزشکی قانونی خراسان رضوی، دست گیرمان می شود، این است که تعداد حادثه دیدگان و فوتی ها در بین زنان کمتر است. او تعداد متوفیان حوادث کارگری در سال ۱۴۰۳ را ۸۵ نفر در مشهد و ۳۹ نفر در استان اعلام می کند که دو نفر از آن ها را بانوان تشکیل می دهند؛ همچنین تعداد متوفیان سال ۱۴۰۴ در استان، ۱۶۶ نفر و در مشهد ۱۱۳ نفر است که همگی آقا هستند و البته آمار مشهد از آمار استان جداست. «در سال ۱۴۰۳، تعداد مصدومان حوادث کارگری در مشهد ۱۲۴۸ نفر و در استان، ۲ هزار و ۴۲۲ نفر هستند؛ در سال ۱۴۰۴ هم ۱۲۳۴ نفر در مشهد و ۲ هزار و ۳۹۰ نفر در استان بر اثر این حوادث، مصدوم شده اند.» دکتر نقش با اعلام این آمار بیان می کند: این آمار براساس مراجعه کنندگان به پزشکی قانونی اعلام می شود و البته برخی افراد هم به این مجموعه مراجعه نمی کنند.

کاهش ۱۸ درصدی حوادث شغلی

حیف که هیچ کدام از نهاده ها برای دادن آمار دقیق همراهی نمی کنند تا مشخص شود که چند هزار خانواده سالانه در پی حوادث ناشی از کار در معرض فروپاشی قرار می گیرند. نه قانونی از آن ها حمایت می کند نه معمولاً کارفرما احساس دین به خانواده بازمانده دارد. محمدرضا ولیان، مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی خراسان رضوی، گرفتار برگزاری یک همایش در پایتخت است و فرصت حرف زدن ندارد تا پاسخی به چرایی تناقض های آماری درباره مرگ های ناشی از حوادث کار بدهد و راه های برون رفت از آن ها را پیش راه مخاطبان بگذارد. روابط عمومی اداره کل هم قضیه را با فرستادن آماری خلاصه و مکتوب، تمام می کند و بخش بزرگی از پرسش های ما بی پاسخ می ماند. آن طور که آن ها ادعا می کنند، موضوع ایمنی و سلامت شغلی کارگران، یکی از اولویتهای اصلی در حوزه وظایف آن هاست؛ در پاسخ ارسال شده، آمار مختصر دیگری هم قید شده است؛ اینکه «بیشترین حوادث رخ داده در بخش ساختمانی است که حدود ۴۸ درصد را شامل می شود. سقوط از ارتفاع و صدمه وارده به سر و ستون فقرات، معمولاً از حوادث پرخطر محسوب می شوند که سال گذشته ۴۲ درصد از حوادث مربوط به این موضوع بوده است.» همچنین سال ۵۶، ۱۴۰۳ کارگر در حوادث کاری، جان خود را از دست داده اند که این رقم در سال گذشته به ۴۶ نفر کاهش یافته است و از کاهش ۱۸ درصدی حکایت دارد. بر مبنای این پاسخ مکتوب، غفلت کارفرما برای نظارت بر کارگاه به لحاظ ایمنی و تجهیز بودن، از مهم ترین علل حوادث است که آمار ۳۷ درصدی را شامل می شود. البته سهل انگاری و بی احتیاطی حادثه دیدگان نیز در این موضوع دخیل است که در این تناسب، ۲۷ درصد علل ناشی از آن است.»

امان از قانون های خاک خورده!

اما احسان سهرابی، فعال حوزه کارگری، تا دلتان بخواهد، می تواند از چالش های موجود در این حوزه حرف بزند و اولین موضوعی که پیش می کشد، تناقض بین آمارهاست؛ اینکه سازمان های پیگیر این موضوع نظیر پزشکی قانونی، وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی هر کدام آماری ارائه می کنند و داده های متغیر، تصمیم گیری سخت می شود. او اعتقاد دارد برای اینکه نتیجه کار درباره این موضوع مؤثر باشد، باید خروجی آماری دستگاه ها نزدیک به واقعیت باشد و بعد می رود سراغ انتظارات فعالان حوزه کارگری. اولین موضوعی که به آن اشاره می کند، بحث استانداردسازی محیط کار است که باید جزو الزامات برای کارفرمایان باشد و باید به سمت وسویی برویم که این حوادث تقلیل پیدا کنند و نگاه کالایی و غرامتی به جان انسان ها نداشته باشیم. سهرابی همچنین یادآوری می کند: فشارهای اقتصادی نبود امنیت شغلی، تمرکز کارگران را کاهش داده که این موضوع، عاملی برای افزایش خطای انسانی و حوادث کاری است، حتی فشارهای روحی و روانی که باعث تحلیل رفتن جسم یک فرد در محیط کاری می شود، هم باید به عنوان یک عامل آسیب زننده پیگیری شود. به اعتقاد او، اجرا نشدن قوانین کار بر افزایش حوادث کارگری بی تأثیر نیست؛ چرا که با وجود برخورداری از قوانین تقریباً روشن، نبود نظارت کافی و گسترش کارگاه های غیررسمی و در برخی مواقع حتی زیر بار نرفتن برای بستن قرارداد، نقض آشکار حقوق مربوط به کارگران است. سهرابی می گوید: در مورد قوانین حمایتی مشکلی نداریم و ایراد در نحوه اجرای آن ها است که مجلس شورای اسلامی باید بر نظارت آن ها هم حساس باشد، درحالی که افزایش مرگ و میرهای ناشی از حوادث، گویای ضعف متولیان این حوزه است.

فروپاشی زندگی های خانوادگی واجتماعی

فروپاشی زندگی های خانوادگی واجتماعی، یکی از عواقبی است که سهرابی به آن اشاره می کند و ادامه می دهد: پشت این اعداد و قوانین ناکارآمد و ضعف نظارتی بازرسان کار، خانواده های آسیب دیده ای هستند که در صورت بروز حوادث برای سرپرست زندگی شان، هیچ پشتوانه حمایتی ندارند؛ در صورتی که دلیل برخی حوادث، بی میلانی و بی احتیاطی است و این حوادث قابل پیش بینی است. او با مثال کوچکی موضوع را روشن می کند: «انفجار و آتش سوزی در غیاب تجهیزات، مسمومیت های شیمیایی ناشی از نداشتن ماسک و تهویه مناسب و کار در معادن فرسوده با ساختمان های نالاین قابلیت پیگیری دارد.» این فعال حوزه کارگری با اشاره به فصل چهارم قانون کار جمهوری اسلامی ایران، ادامه می دهد: کارفرمایان مکلف اند پیش از بهره برداری از ماشین ها، دستگاه ها، ابزار و لوازمی که آزمایش های لازم را انجام داده اند، حفاظت بهداشت و سلامت کارگران در محیط کار را تأمین کنند و در صورت قصور برای حفظ ایمنی، کارفرما صد درصد مقصر است. نگاه قهری متولیان امر به این موضوع، می تواند بازدارنده باشد و اینکه کارفرمایان بدانند عبارت مهم «اول ایمنی و بعد کار» تنها شعار نیست و در صورت سهل انگاری و قصور با آن ها برخورد می شود.

نظارت های نصفه ونیمه

سهرابی از نقص در نظارت حرف می زند که در افزایش مرگ و میر کارگران بی تأثیر نیست: «آمار حوادث از قوانین شکننده در دنیای واقعی می گویند، آن هم درحالی که بخشی از نیروی کار در بخش غیررسمی فعالیت می کنند که عملاً دسترسی به حمایت های اجتماعی محروم اند.» او موضوع امتناع از کارهای پرخطر را پیش می کشد که به دستور وزیر کار، بعد از حادثه معدن طیس، به صورت پیش نویس، آماده ابلاغ شده است و ابراز امیدواری می کند که این دستور به زودی اجرا شود؛ اینکه کارفرما حق ندارد نیروی کار را به انجام کارهای پرخطر باکاری که در آن مهارت ندارد، مجبور کند. سهرابی یادآوری می کند: بیماری های شغلی پنهان مانند مشکلات تنفسی و اختلالات اسکلتی در آمار مصدومیت های کارگری و شغلی، ثبت و ضبط نمی شود. طبق قانون، در کارگاه هایی که با مواد شیمیایی سروکار دارند، باید هر روز شیر توزیع و بر این روند نظارت شود.

باید به دنبال راهکار دیگری بود

دکتر حسن رضایی، تحلیلگر حوزه اجتماعی است و همان ابتدای صحبت از ثبت سالانه ۱۳ هزار حادثه برای کارگران در کشور خبر می دهد و می گوید: تلخ تر اینکه معمولاً بین هفتصد تا هشتصد نفر از این تعداد فوت می کنند که غالباً مردان و سرپرستان خانوار هستند. حمایت از تشکل های کارگری، اولین موضوعی است که او پیش می کشد: «ایجاد سازوکارهای مستقل نظارتی با اختیارات اجرایی قوی برای بازرسی از محیط های کار می تواند به عنوان یکی از راهکارها برای کاهش حوادث و حمایت از کارگرانی که در معرض آسیب هستند، مؤثر باشد.» او ادامه می دهد: هر روز شاهد پی ریزی ساختمان هایی هستیم که تیر آهن هایش توسط کارگران بالا می رود و شهرداری بر زیباسازی آن ها تأکید می کند؛ مالک و کارفرما و سازنده از خدمات مختلف، بهره مند می شوند و تنها چیزی که به چشم نمی آید، خون های ریخته شده پای این برج های سیمانی است. رضایی می گوید: نهادهای اجرایی مانند شهرداری باید خود را مکلف بدانند و اعطای تسهیلات به کارفرمایان را منوط به رعایت قوانین حفاظتی و محیطی کنند؛ چه در کارگاه های ساختمانی و چه در واحدهای تولیدی و صنعتی، تجاری و حتی واحدهای بازرگانی و صادراتی. هرچاکه نقص و سهل انگاری در رعایت بندی از قوانین با جان انسان ها رقم می خورد، محکم پای آن بایستند و از حقوق کارگر دفاع کنند. ما ضعف قانون نداریم و اسلام دینی است که بارها و بارها به احترام کرامت انسانی اشاره کرده است، آن هم خارج از دین و نژاد و رنگ و زبان. شاید بتوان با اضافه کردن برخی بندها آن را به روز و ایده آل تر کرد. او تأکید می کند: طبق ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی، هر کسی فعلی را که انجام آن را به عهده گرفته است ترک کند، باید تنبیه شود و ترک فعل برای یک مدیر در هر جایی که مسئولیتی عهده دار شده است، پیگیری قانونی دارد؛ چه در یک کارگاه معمولی و عادی باشد و چه در مجموعه دولتی و خصوصی. رضایی از ضرورت پیگیری های بیشتر دستگاه قضایی می گوید: «قوه قضاییه باید بیشتر پیگیر حقوق این گروه شود و مقابل کسانی که اهمال می کنند، محکم بایستد تا راه برون رفت از این بحران پیدا شود.»

ضرورت همکاری همه عوامل

پاسخی که احسان نجاری مقدم، مدیرکل نظارت و هماهنگی بر خدمات شهری شهرداری مشهد، به ما می دهد، درباره ماهیت فعالیت های نیروهای خدمات شهری و عمرانی، به ویژه در معابر پرتردد و محیط های عملیاتی است: «طبیعی است که این فعالیت ها با مخاطراتی همراه است و حذف کامل خطرات در چنین شرایطی، نیازمند همکاری همه عوامل مؤثر است.» به گفته او و بر اساس آمار ثبت شده، از سال ۱۳۹۶ تا کنون، حدود دویست حادثه شغلی در حوزه کاری خودشان گزارش شده، با این حال حوادث از سال ۱۴۰۰ تا کنون کاهش یافته است. نجاری مقدم با اشاره به مصوبات حمایتی شورای اسلامی شهر مشهد، می گوید: در مواقعی که کارگران حین انجام وظیفه حادثه بینند و منجر به ازکارافتادگی یا فوت آن ها شود، مطابق ضوابط و مقررات، حمایت های مالی شامل حال خانواده آن ها خواهد شد. حرف ها هرچند خلاصه گفته شد، این پرسش هنوز هم ذهن من را درگیر کرده است که «چرا در دنیای واقعی، جرمه های کارفرمایان متخلف آن قدر ناچیز است که در صورت اتفاق، کارفرما ترجیح می دهد پول مرگ کارگر را بدهد تا پول هزینه های ایمن سازی و تجهیزات و... را؟»